

به یاد باغچه بان کودکان ناشنوا

جبار باغچه بان معلمی بود که نخستین مدرسه کودکان ناشنوا را در ایران پایه گذاری کرده و آموزش به آنها را گسترش داد



مریم زاهدی

خبرنگار چار دیواری

«هر باغی به باغبان و هر باغچه ای به باغچه بان نیاز دارد.» این جمله ای است که میرزا جبار عسگرزاده معروف به جبار باغچه بان، بنیانگذار نخستین کودکان و نخستین مدرسه ناشنوایان در ایران به آن اعتقاد داشت. او غنچه های ناشنوای باغ کشورمان را رها نکرد و با تاسیس نخستین مدرسه ویژه کودکان ناشنوا هم نام و یاد خود را جاودانه کرد و هم موجب شد کودکان ناشنوا

شانس ادامه تحصیل و شکوفایی استعدادشان را از دست ندهند. نام باغچه بان که می آید خیلی از مایه کودکان ناشنوای افتیم و به وجود چنین شخصی افتخار می کنیم زیرا آقای باغچه بان با توجهی ویژه به کودکان ناشنوا زمینه ساز رشد و موفقیت آنها شد و مسیری درست و علمی را در حوزه آموزش کودکان استثنایی در کشورمان پایه گذاری کرد.

باغچه بان که بود؟

میرزا جبار عسگرزاده ۱۹ اردیبهشت ۱۲۶۴ در شهر ایروان به دنیا آمد اما اصالتا ایرانی و اهل تبریز بود. به همین دلیل هم در ۳۴ سالگی و در بحبوحه جنگ ارامنه و مسلمانان همراه خانواده خود به مرند رسید. او که سال ها در ایروان معلم بود، در مرند مشغول تدریس در کلاس اول دبستان این شهر شد. وقتی آوازه این معلم ماهر به مدیرکل معارف آذربایجان رسید، او را از مرند به تبریز منتقل کردند. سال ۱۳۰۲ بود که کودکان تبریز را با نام «باغچه اطفال» تاسیس کرد.

عسگرزاده چگونه باغچه بان شد؟

باغچه بان خودش درباره این که چرا نام باغچه بان را به جای عسگرزاده برای خود برگزیده این گونه گفته است: «یک روز یکی از دوستانم باشوخی به من گفت: تو برای بچه های تبریز باغچه دایر کردی و الان باغچه داری می کنی! تو باغچه بان شده ای! و پس از آن شوخی، من باغچه بان را به جای عسگرزاده برای نام خانوادگی آینده ام موقع گرفتن شناسنامه ایرانی انتخاب کردم.»

سنگ بنای نخستین مدرسه ناشنوایان

حضور چند بچه ناشنوا در باغچه اطفال باعث شد باغچه بان به فکر ابداع راهی برای آموزش خواندن و نوشتن به کودکان ناشنوا بیفتد. او اعلام کرد که در باغچه اطفال، کلاس آموزش خواندن، نوشتن و حرف زدن به کودکان ناشنوا به صورت رایگان برگزار می شود. سه دانش آموز ناشنوا در این کلاس ثبت نام کردند. ۶ ماه بعد، یک جلسه امتحان با حضور مردم برای آن سه کودک برگزار کرد و آن سه دانش آموز توانستند در حضور مردم جملاتی را بنویسند، بخوانند و با زبان خودشان به سوالات جواب بدهند.

توجه به کودکان ناشنوا

کم کم شاگردان دیگری در این مدرسه کوچک ثبت نام کردند و در همان روزها او موفق شد وسیله ای برای شنیدن این کودکان اختراع کند و آن را به نام «تلفن گنگ» یا «سمک استخوانی» به ثبت برساند. او در ادامه توانست چند کتاب درسی برای کودکان ناشنوا بنویسد، «جمعیت حمایت از کودکان کرولال» را تشکیل بدهد و آموزشگاه باغچه بان را با حمایت مردم تاسیس کند. وی در سال ۱۳۰۷ به درخواست رئیس فرهنگ فارس به شیراز رفت و کودکانستانی در این شهر بنیاد نهاد. بعد از پنج سال خدمت در آنجا به تهران آمد و سال ۱۳۱۲ با تاسیس اولین مدرسه، رسماً به تعلیم و تربیت کودکان ناشنوا پرداخت.

گسترش شیوه آموزش کودکان ناشنوا

سال ۱۳۱۴ از سوی وزارت فرهنگ دستور تعلیم الفبای او که امروزه به روش باغچه بان معروف است منتشر شد. از این روش هنوز در کلاس های دبستانی و سوادآموزی بزرگسالان استفاده می شود. یکی از کتاب های او به عنوان «بابابرفی» توسط کانون پرورش فکری کودکان به چاپ رسید و شورای جهانی کودک آن را به عنوان بهترین کتاب کودک انتخاب کرد.

تلفن گنگ (گوشی استخوانی)

گذاشتم و صدای آن را شنیدم. کنجکاو شدم و ساعت را با دندان گرفتم و احساس کردم صدای ساعت را به خوبی می شنوم. چند بار تکرار کردم و دیدم جدا می شنوم. خلاصه دریافتم که هر گاه گوش شنوای من بسته باشد، از طریق دندان صدای ساعت را می شنوم. روزی هنگامی که به تعلیم کرولال ها مشغول بودم ناگهان این موضوع یاد آمد و بچه های کرولال را با گرفتن ساعت در دهان امتحان کردم و دیدم می شنوند. چون نتیجه مثبت بود، به فکر ساختن «گوشی استخوانی» برای کرولال ها افتادم... جبار باغچه بان ۴ آذر سال ۱۳۴۵ در ۸۱ سالگی و در حالی که زندگی جدیدی به کودکان ناشنوای ایرانی بخشیده بود، بر اثر بیماری از دنیا رفت.

تلفن گنگ یا گوشی استخوانی نام دستگاهی است که جبار باغچه بان در ۲۲ بهمن ۱۳۱۲ شمسی اختراع کرد. روش کارکرد آن به این صورت بود که شخص ناشنوا با گرفتن میله آن به دندان می توانست از طریق استخوان فک صورت، ارتعاشات صوتی را دریابد و بشنود. باغچه بان چگونگی اختراع این دستگاه را این گونه توضیح می دهد: «در پانزده سالگی در اثر تصادفی گوش راست من کر شد. شخص معالج در اثنای معالجه ساعت را نزدیک گوشم می گرفت نمی شنیدم ولی وقتی آن را به گوشم می چسباند، احساس می کردم که می شنوم! اتفاقاً روزی وقتی که به سمت چپ خوابیده بودم و گوش ششام به وسیله بالش گرفته شده بود، ساعت را به گوش راست

جبار باغچه بان
بنیانگذار نخستین کودکان
و مدرسه ناشنوایان در تبریز
۱۳۴۵-۱۳۶۴ خورشیدی
Jabbar Baghcheban